

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید- سال پنجم- شماره دوم- تابستان ۱۳۹۸- شماره پیوسته ۲۴

## نقش و جایگاه زنان در ترانه‌های بختیاری

(ص ۶۷-۸۳)

الیاس قادری (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، عباس قنبری عدیوی<sup>۲</sup>، مجتبی عبدالهی<sup>۳</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۸

### چکیده

یکی از گونه‌های ادب شفاهی، ترانه است. ترانه‌ها در فرهنگ و ادبیات بختیاری کاربرد فراوانی دارند. زنان به عنوان بخشی از جامعه انسانی، در شکل‌گیری آداب و رسوم و فرهنگ هر قوم و ملت، نقش بسزایی دارند. نقش زنان در نوع ادبی ترانه، بسیار برجسته و دارای اهمیت است. در این پژوهش، به بررسی نقش و جایگاه زن در ادبیات شفاهی به‌ویژه ترانه‌های بختیاری پرداخته شده است. در این خصوص، ترانه‌ها به هفت دسته تقسیم شدند. پس از آن، به بررسی نقش زنان و تجزیه و تحلیل ترانه‌ها بر مدار تعیین جایگاه و نقش زن در آن‌ها پرداخته شده است. در این پژوهش، درمی‌یابیم که زن بختیاری در بسیاری از موارد، خود سازنده، گوینده و سراینده ترانه‌هاست و در بیشتر مراحل زندگی و کارهای روزمره خود از آن‌ها بهره می‌برد. نمونه‌های اندکی از ترانه‌ها هم که ساخته و پرداخته زنان نیست، در وصف آنان است.

کلمات کلیدی: ادبیات عامه، ترانه، بختیاری، زن.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور واحد اهواز

Email: elyasghadery@yahoo.com

Email: odivi46@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران

Email: dr.m.abdollahi414@gmail.com

## ۱. مقدمه

«ترانه» یکی از گونه‌های ادبی است. از نظر تقسیم بندی می‌توان آن را جزء گونه ادب شفاهی و غیررسمی به شمار آورد. «ترانه‌های عامیانه را می‌توان مرحله ابتدایی شعر و موسیقی دانست. گویا مردمان اولیه که حس الحان و و اوزان را داشته‌اند، برای بیان احساسات خود، این سبک ساده و بی‌تکلف را اختیار نموده‌اند» (هدایت، ۱۳۸۳: ۲۰۰). یکی از علت‌هایی که ترانه را جزء نوع غیررسمی به حساب می‌آورند این است که این نوع ادبی، بیشتر در میان مردم عادی رواج دارد و کاربرد آن در میان طبقه‌های فرهنگی و باسواد جامعه کم و محدود است؛ چرا که این گروه خاص، اعتقاد داشتند که زبان ترانه سست و سبک است و از نظر ادبی ارزش زیادی ندارد، اما به مرور زمان، توجه به این نوع ادبی بیشتر شد، تا این که بسیاری از آن‌ها به مرحله چاپ رسید و شکل کتاب به خود گرفت. توجه به جمع‌آوری و بررسی ترانه‌ها امری بسیار پراهمیت است، زیرا «گاهی مطالعه آثار بازمانده فرهنگ عامه چنان روشنگر اخلاق و وضع روحی جامعه عصر خویش است که هیچ کتاب تاریخ و جامعه‌شناسی نمی‌تواند چنین پرتوی بر زندگانی اجتماعی آن روزگار بیفکند» (محبوب، ۱۳۸۷: ۶۸). یکی از ویژگی‌های ترانه‌ها این است که زمان و مکان و سراینده آن‌ها بر ما معلوم نیست. «بی‌شک، از مبدأ و گوینده این ترانه‌ها سندی در دست نمی‌باشد، معلوم نیست شعرای گمنامی آن‌ها را سروده‌اند یا از قبیل اشعار بومی است که قبل از اسلام، در ایران متداول بوده است، سپس تغییرات کم و بیش یافته و به صورت امروز درآمده است» (هدایت، ۱۳۸۳: ۱۶۵). سبب ماندگاری ترانه‌ها، انتقال سینه به سینه آن‌ها است، تا اینکه به دیگر نسل‌ها رسیده و در نوع و شیوه زندگی افراد جامعه تأثیر زیادی داشته است، به طوری که مردم عامه برای انجام بسیاری از کارهای روزمره خود، ترانه خاصی می‌سروده‌اند.

قوم بختیاری از قدیم‌ترین اقوام ایرانی است که در اطراف رشته‌کوه زاگرس و استان‌های جنوب غربی ایران زندگی می‌کنند. به دلایل گوناگون سیاسی و حکومتی در طول تاریخ، فرهنگ و ادب غنی این قوم، بیشتر به صورت شفاهی و غیرمکتوب است که بر سر زبان مردم روستاها و عشایر جاری است. در فرهنگ این قوم، زنان همگام با مردان در کارها شرکت کرده و برای تنوع زندگی و سرگرمی خود، اقدام به ایجاد انواع ادبی از جمله ترانه، قصه، چیستان، ضرب‌المثل و... کرده‌اند. در این میان، زنان در گونه ادبی ترانه، جایگاه مشخص و سازنده‌ای دارند.

### ۱-۱. ضرورت تحقیق

با توسعه فناوری و گسترش نفوذ زبان فارسی معیار از طریق رسانه‌ها و تبلیغات و گفت‌وگوهای روزمره، بیم آن می‌رود که بخش عمده‌ای از ادبیات شفاهی و فولکلوریک قوم بختیاری به فراموشی

سپرده شود. همچنین بیم آن می‌رود که خوانندگان و گویندگان آثار شفاهی ادبیات عامه، به علت مرگ و میر و یا تغییر ساختار زندگی، از آن فاصله بگیرند؛ در چنین حالتی، این ترانه‌ها که جزئی از میراث گذشتگان یک قوم کهن هستند، به فراموشی سپرده می‌شوند و در نهایت از بین می‌روند.

از سوی دیگر، «شناخت و آشنایی با بخشی از فرهنگ و ادبیات یک قوم بزرگ و نژاده ایرانی یک ضرورت است؛ چراکه از آنجایی که گویش و لهجه‌های متنوع مردم بختیاری، ارتباط تنگاتنگی با زبان فارسی معیار دارد و به عقیده بسیاری از پژوهشگران، زبان بختیاری بسیار شبیه به زبان دوره پهلوی اشکانی است» (نک: میرزانی دره شوری، ۱۳۷۳: ۷۳؛ و افشار سیستانی، ۱۳۶۷: ۴۵۳)، گره‌های حل‌نشده زیادی را از زبان فارسی، باز خواهد کرد؛ حتی ریشه برخی از واژگانی را که در نسخه‌های خطی قدیم فارسی، مجهول و بی‌پاسخ مانده است، از این طریق می‌توان به دست آورد.

## ۱-۲. اهداف کلی و اصلی تحقیق

- بررسی کارکرد، نقش و جایگاه زن در ادبیات شفاهی به خصوص ترانه‌های بختیاری.
- تجزیه و تحلیل ترانه‌ها بر مدار تعیین جایگاه و نقش زن در آن‌ها.

## ۱-۳. پرسش اصلی تحقیق

- نقش و جایگاه زنان در آفرینش و رواج انواع ترانه‌های بختیاری چیست؟

## ۱-۴. پیشینه تحقیق

در مورد نقش و جایگاه زن در ترانه‌های بختیاری، تاکنون پژوهشی مستقل و مدون صورت نگرفته و اثری نوشته نشده است، بلکه تحقیقات کلی درباره ترانه‌های بختیاری انجام گرفته و آثاری نیز نوشته شده که آن هم در جای خود بسیار ارزشمند است ولی در مجموع، هرکدام از منابع موجود، به قسمی از ترانه‌های بختیاری اشاره کرده‌اند و هیچ کدام به طور جامع به دسته‌بندی ترانه‌ها و بررسی نقش و جایگاه زن در آنان پرداخته‌اند.

در این پژوهش، علاوه بر تقسیم‌بندی کلی موضوعی ترانه‌ها در زبان بختیاری، به بررسی نقش و جایگاه زنان در هر دسته از این ترانه‌ها پرداخته شده است.

## ۲. بحث

### ۲-۱. انواع ترانه‌های بختیاری

در ابتدا، در یک تقسیم‌بندی کلی موضوعی، ترانه‌های بختیاری به هفت دسته تقسیم شده است که در روند پژوهش، به تعریف و ذکر یک یا دو مورد از هر نوع ترانه، به عنوان مثال پرداخته می‌شود:

- ۱- ترانه‌های کار
- ۲- ترانه‌های رزمی و حماسی
- ۳- ترانه‌های بزمی و شادی (شادایانه‌ها)
- ۴- ترانه‌های کودکانه
- ۵- ترانه‌های عاشقانه و تغزلی
- ۶- ترانه‌های مذهبی و نیایشی
- ۷- سوگینه‌ها

به این دلیل که ترانه‌های بختیاری به زبان گفتاری این قوم نوشته شده است، برای سهولت در خواندن و درک بهتر مفهوم این ترانه‌ها، تلفظ آن‌ها در زیر متن اصلی، آوانگاری شده است.

#### ۲-۱-۱. ترانه‌های کاری یا «کاردنگ»

این ترانه‌ها در مواقع انجام کار و برخی اعمال روزانه خوانده می‌شوند. ترانه‌های کار به چند دسته تقسیم می‌شوند: ترانه‌های صیادی یا شکار، ترانه‌های بافندگی، ترانه‌های کشاورزی، ترانه‌های دامداری و... در اینجا به چند مورد از ترانه‌های کار اشاره می‌شود.

##### ۲-۱-۱-۱. ترانه‌های صیادی

مردم منطقه بختیاری به خاطر موقعیت جغرافیایی خاص و کوهستانی منطقه، پیوندی ناگسستنی با امر شکار و صیادی داشته‌اند و شکاری یکی از اعمالی بوده که برای رفع نیازهای خود انجام می‌داده‌اند. «زمانی شکار کردن تنها وسیله زندگی کردن بود. بعدها کشاورزی به وجود آمد و آدمی غلات را شناخت، و شکار کردن، خود به صورت حرفه‌ای درآمد و عده‌ای صرفاً کارشان، صیادی بوده که به آن‌ها میرشکار می‌گفتند و این شغل از پدر به پسر به ارث می‌رسید» (فقیری، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

نمونه‌ای از ترانه‌های صیادی:

پازن شاخ چمبری دو بیگ به دینس      هردو دست میرصیاد اینه به خینس

pâzane šax čambari do big be dines, har do daste mir sayâd ine be xines

برگردان: بز کوهی شاخ چمبری، دو بزغاله به دنبال اوست، میرصیاد او را کشت و دو دستش به خون آن بز کوهی آغشته است.

نمونه‌ای دیگر:

ز صیادون مندمه حیف که میرم      گُلک و پَر باد ایبره زور تیرم

ze seyâdon mandome hayfe ke mirom, kolk o par bâd ibareh ze vare tirom

برگردان: از صیادان به جا مانده‌ام، حیف است که بمیرم؛ چراکه هر وقت من دست به سوی تفنگ می‌برم، مو و پَر و هر چیز دیگری از شدت تیراندازی من بر باد می‌رود.

## ۲-۱-۱-۲. ترانه‌های کشاورزی

این ترانه‌ها، مراحل مختلف کشاورزی از کاشت تا برداشت را در برمی‌گیرد، در هر مرحله از این کار ترانه‌های ویژه‌ای سروده می‌شود؛ در اینجا به چند مورد از این ترانه‌ها اشاره می‌شود.

### ۲-۱-۱-۲-۱. ترانه شخم زدن

این ترانه‌ها را کشاورز در هنگام دانه پاشیدن و شخم زدن، با خود زمزمه می‌کند.

نمونه‌ای از ترانه‌های شخم زدن:

دلآتون پاک کُنین      وُ جو وُ گندم خاک کُنین

delâtune pâk konin vo jo vo gandom xâk konin

مُود برداشت که اُوید      قاطرونِ بار کُنین

movede bardâšt ke oveyd, qâterune bâr konin

برگردان: دل‌هایتان را پاک و خالص کنید و جو و گندم در خاک پاشید؛ و موقع برداشت که آمد بار جو و گندم بر استرها (قاطرها) بگذارید.

### ۲-۱-۲-۲. ترانه درو کردن

این ترانه در زمان درو کردن- که همزمان با ماه‌های اردیبهشت و خرداد است- سروده می‌شود. کشاورزان موقع درو کردن، ترانه‌هایی می‌سرایند تا انگیزه کار کردن دوچندان شود. همچنین شنیدن نوای این ترانه‌ها، به آن‌ها نوعی آرامش می‌دهد و باعث رفع خستگی ایشان می‌شود. مثال برای ترانه درو کردن:

«بِیو ریم هیاری به مالِ بالا      غَلِه‌ها نَچیدَه مَندِرِن سَرِ پا»

beyav rim hayâri be mâle bâlâ qaleha načidah manden sare pâ

(ترانه هیاری، کاست تاراز، ۱۳۷۲، بهمن علاء‌الدین)

برگردان: بیا به محل بالایی برویم و آنجا با دیگر دروگران همکاری کنیم. می‌گویند غلات و محصولات آنجا هنوز چیده نشده‌اند. نمونه‌ای دیگر:

هورانِ بیارین وا یک بتینین      کیلانِ بیارین گندم بیینین

hurâne biyârin vâ yak betaynin, keylâne biyârin gandom bepaynin

«هورها» (نوعی بافتنی مانند خورجین) را بیاورید و باهم تکان دهید و آماده استفاده برای محصول کنید، «کیل‌ها» را بیاورید، گندم‌ها را پیمان‌ها کنید.

### ۲-۱-۳-۲. ترانه‌های دامداری

این ترانه‌ها در ارتباط با دام‌های اهلی سروده می‌شود که کوچ‌نشینان همواره با آن‌ها در ارتباط هستند و زندگی می‌کنند. ترانه‌های «گاودوشی» و «مشک و دوغ زنی» از جمله ترانه‌های دامداری از نوع ترانه‌های کار هستند.

#### ۲-۱-۳-۱. ترانه‌های گاودوشی

این ترانه را فقط زنان، آن هم موقع دوشیدن گاو می‌سرایند و اعتقاد دارند که با سرودن این ترانه‌ها، گاو عاطفی‌تر می‌شود و شیر بیشتری می‌دهد. مثال برای ترانه گاودوشی:

«گولو گولو گام اوود      جون به دَس پام اوود»

gulu gulu gâm owed, jun be dase pâm owed

(سرلک، ۱۳۸۵: ۷۵)

برگردان: گاوم به بهانه گوساله‌اش آمد و این آمدن او باعث شد که دست و پای من جان بگیرد و خوشحال بشوم.

نمونه‌ای دیگر:

گولو گولو جونم بای      کره سر نونم بای

gulu gulu junom bây , kareh sare nunom bây

برگردان: گولو گولو جانم باشی، کره روی نانم باشی.

## ۲-۱-۱-۳-۲. ترانه‌های مَشک‌زنی

زنان، این ترانه را هنگام تهیه دوغ و زدن مَشک می‌سرایند. زمان سرودن آن، قبل از طلوع خورشید است. سبب سرودن این ترانه به وسیله زنان و در این هنگام این است که بر این باورند که با سرودن این ترانه، برکت دوغ و کره آن زیاد می‌شود و دیگر اینکه متوجه زمان زیادی که صرف زدن دوغ می‌شود، نمی‌شوند و همچنین با سرودن این ترانه، خستگی حاصل از این کار را احساس نمی‌کنند.

نمونه‌ای از ترانه مَشک و دوغ زنی:

هی دُو بزن که دیژمه      کُر کچله به شیرمه

hay du bezan ke dirome, kor kačale be širome

هی دُو بزن که دیژمه      افسرخان مهمونمه

hay du bezan ke dirome, afsar xân mehmunome

برگردان: ای دوغ آماده شو که عجله دارم و پسر کوچک کچلم را باید شیر بدهم. ای دوغ زودتر آماده شو، چراکه عجله دارم و افسرخان مهمان من است، باید از تو، ای دوغ، برای او پذیرایی کنم.

نمونه‌ای دیگر:

مشگ دو سُرّه نالِ نالسه      یه اُردی گپی شو به مالسه

mašga du sora nâle nâlèse , ye ordi gapi šow be mâlèse

برگردان: مشک دوغ سرخ‌رنگ مدام می‌نالد (صدای دوغ در مشک)؛ چراکه یک گروه بزرگی امشب مهمان او هستند.

## ۲-۱-۱-۴. ترانه‌های بافندگی و چینی‌گری

این نوع ترانه در زمان بافتن و چیدن لوازم بافتنی و چینی‌گری‌هایی چون قالی، فرش، گلیم، خورجین، سیاه چادر (بهون) و... سروده می‌شود.

نمونه‌ای از ترانه بافندگی و چینی‌گری:

«چپ‌گری چینی‌گری، چینینه دار کرد      و نِها چینی‌گرون برید و تا کرد»

čapgari činigari činine dâr kerd, ve nehâ činigarun borid o tâ kerd

(حسین پور، ۱۳۸۶:۱۶۰)

برگردان: آن زن چپ‌گر و چینی‌گر (بافنده) بافتنی خود را به دار آویخته و آماده بافتن کرد. او جلوتر و زودتر از همه بافندگان بافتنی خود را تمام نمود و جمع کرد.  
نمونه‌ای دیگر:

چپ گری، چینی گری، همه چینِ دونی چی مُلا قَلَمَزَنی گُل اینشونی

čap garey činigarey hame čine duni, či molâ qalamzani gol inešuni

برگردان: ای بافنده، ای قالی باف، تو همه چیز را می دانی. مانند مُلای قلمزنی (هنرمند) گُل در بافتنی می‌نشانی.

## ۲-۱-۲. ترانه‌های رزمی و حماسی

این ترانه‌ها در جنگ‌ها و درگیری‌های قوم بختیاری با مهاجمان یا زورگویان مستبد و دیکتاتور روزگار سروده شده‌اند. بختیاری‌ها در این ترانه‌ها، دلاوران و قهرمانان از دست رفته خود را ستوده و به آن‌ها افتخار می‌کرده‌اند. همچنین به جهت تعصب زیادی که نسبت به آنان داشته‌اند، بعد از گذشت چندین سال، هنوز هم آن را زمزمه می‌کنند و یاد آن‌ها را زنده نگه می‌دارند.

در اینجا به ترانه‌ای از حماسه‌های «علی‌مردان‌خان چهارلنگ» که در جنگ با رضاخان و ناجوانمردانه، به دست عمال رژیم پهلوی کشته شد، اشاره می‌شود.

نمونه‌ای از ترانه حماسی علی‌مردان‌خان چهارلنگ:

«دُدِرگَل سی گُشتنم پلانِ بریدن گویلم ز داغ مو کمر بُریدن»

dodargal si koštanom palâne boriden, gaowyalom ze dâqe mo kamar boriden

(پوره، ۱۳۸۱:۱۲۷)

برگردان: خواهرانم به خاطر کشتنم، موهایشان را بریدند و برادرانم از داغ کشته شدن من کمرشان شکست و بسیار اندوهگین شدند.

نمونه‌ای دیگر:

تفنگ علی‌مردون باز هم صدا کرد سرهنگ گله‌پوستی هنگِ بلا کرد

tofange alimerdun bâz ham sedâ kerd, sarhng kolah pusti hange belâ kerd

برگردان: تفنگ علی‌مردان‌خان باز هم به صدا درآمد و صدای مهیب آن باعث شد که سرهنگ کلاه‌پوستی از شدت ترس، هنگ نظامی خود را گم کرد.



### ۳-۱-۲. ترانه‌های بزمی و شادی (شادیانه‌ها)

ترانه‌های بزمی و شادیانه‌ها «اشعاری هستند شاد و آهنگین که در مراسم و مناسبت‌های شاد خوانده می‌شود؛ مانند ترانه‌های عقد و عروسی» (قیاسی، ۱۳۹۵: ۴۲). این ترانه‌ها به صورت تک‌خوان و گروه (همخوانی) اجرا می‌شود؛ به طوری که یک نفر به عنوان سرگروه و تک‌خوان، بیتی را می‌خواند و دیگران به صورت گروهی، بیت یا مصرعی تکراری را به عنوان جواب می‌خوانند. از ترانه‌های بزمی و سرور می‌توان به ترانه‌های «آهی گل (âhey gol)»، «دووالالی (duowâlâlêiy)» و «چل چله باد شمال čel čele bâde šomâl» اشاره کرد. هر سه نوع بیان شده، در جشن‌های عروسی و در مدح عروس و داماد و بستگان آن‌ها سروده می‌شوند.

نمونه‌ای از ترانه آهی گل:

پرنجانه ز تو ډرارین سر تو خرمَن زنین      ددوویل آقا دوماد هممتو وا کِل زنین

berenjâne ze tow derârin sar tu xarman zanin , daduyale âqâ dumâd hamato va kel zanin

برگردان: برنج‌ها(برنج‌های خوراک عروسی) را از درون انبار دریاورید و روی پشت بام جمع کنید. به خواهرهای داماد هم بگویند که همگی شادی کنید و کِل بزنید(چراکه جشن و شادی در راه است).

نمونه‌ای دیگر:

پیش مالمو جاز حُشک و پشت مالمو جاز تر      چه کنم وا بوو دَدَر نی ورداره کوه نر؟

piše mâlmo jâze hošk o pošte mâlmo jâze tar, če konom vâ bawu dodar nivardâre kave nar?

برگردان: جلوی خانه‌مان درختچه‌های جاز خشک و پشت خانه‌مان جاز تر است، نمی‌دانم با پدر عروس چه کار کنم که قوچ‌های نر را از ما(برای شیربها) قبول نمی‌کند؟

نمونه‌ای از ترانه دووالالی:

دا مو ایگم، رو مو ایگم      هُوئه داری خو بُکُن

dâ mo igom ru mo igom , hownedâri xu bekon

هونه‌داری سُرِفِه سَنگین      یِه کَنیز و ابام بگن

hownedâri sorfe sangin , ya kaniz vâ bâm bekon

برگردان: [نصیحت مادر به دختر: مادر جان، می‌گویم، فرزندم، می‌گویم خانه‌دار خوبی باش. [جواب دختر به مادر: مادر، خانه‌داری و سفره‌های سنگین(مهمان‌نوازی) کار مشکلی هست پس یک کنیز به همراه من بفرست تا به خانه شوهر ببرم.

نمونه‌ای از ترانهٔ چل چله باد شمال:

«کُه اوید کُ تور اوید گُدم شکاله سیل کِردم پُشت سَرم دیم تیه کاله»

koh oveyd ko tor oveyd godom šekâle seyl kerdom pošte sarom dim tiye kâle

برگردان: چیزی شبیه صدای ریزش کوه و صخره‌های بزرگ احساس کردم، با خود گفتم که شاید بز کوهی یا حیوان شکاری دیگری راه می‌رود. به پشت سرم نگاه کردم، دیدم که معشوق سیاه‌چشم است.

#### ۲-۱-۴. ترانه‌های کودکانه

کودکانه‌ها ترانه‌هایی هستند که مادران برای فرزندانشان زمزمه می‌کنند. در ادبیات عامهٔ بختیاری به‌ویژه ترانه‌های آن، عاطفی‌ترین ترانه‌ها، همین ترانه‌های کودکانه است که باعث الفت و محبت بین مادران و کودکان‌شان می‌شود. لالایی‌ها از معروف‌ترین نوع ترانه‌های کودکانه است.

#### ۲-۱-۴-۱. لالایی‌ها

لالایی‌ها گونه‌ای از ترانه هستند که مادران به هنگام شب و در زمان خوابانیدن کودکان‌شان می‌سرایند. مهر و محبت مادر همراه با ندا و آهنگ دلنشین این ترانه‌ها کودکان را به خواب آرام رهسپار می‌کند. «این اشعار، صرف نظر از سادگی، نمایندهٔ روح پاک و آرزومند مادران شهری و روستایی است و از اولین ترانه‌هایی است که هر کودک شهری و روستایی را برای اولین بار با طنین موسیقی محبت‌آفرین مادرانه آشنا می‌کند» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

نمونه‌ای از ترانهٔ لالایی:

«سر کوه بلند فریادِ کردم امیرالمومنین را یادِ کردم»

sare kohe boland faryâd ekerdom , amir almomenin râ yad ekerdom

امیرالمؤمنین، ای شاه مردون دل ناشادگونم شاد گردون»

amir almomenin ay šâhe mardun dele nâšâdegunom šâd gardun

برگردان: سر کوه بلند فریاد می‌زدم و امیرالمؤمنین (حضرت علی(ع)) را یاد می‌کردم. ای امیرالمومنین، ای شاه مردان، دل ناشاد من را شاد گردان.

#### ۲-۱-۴-۱-۱. ترانهٔ نوازش کودک

مادران این ترانه را برای فرزندان خود می‌خوانند و قصدشان از سرودن و خواندن آن، ناز و نوازش کردن کودکان است.

نمونه‌ای از ترانه نوازش کودک:

hay dodarom če dodari?	هی دودَرُم چه دودَری؟
čok o zel o fermo bari	چُک و زِل و فِرْمو بَری
sei nâ beidi be ya kori	سی نایدی به یِه کُری؟
ču vardâri ri pay tori	چو وَرْداری ری یی تری
âbidi be ya dovari	آبیدی به یِه دُوری؟
nešastei bâ bardari	نشستی پا بَرْداری
hay dodarom beyaw varga	هی دودَرُم بیو ورگه
poštate beneh sare harke	پُشته بِنه سَرِ هرکه

برگردان: ای دخترم، تو چه جور دختری هستی؟

تو عجول و باهوش و فرمانبر هستی.

ای دخترم، چرا تو یک پسر نشدی؟

که در آن صورت، چوبی به دست می‌گرفتی و به مسیری می‌رفتی تا آینده خودت را رقم بزنی.

تو دختری به دنیا آمدی.

و کنار سنگ آسیاب (سنگ گندم‌سا) نشسته‌ای و عمرت را تلف می‌کنی.

ای دخترم، بیا بگیر

و پشتۀ هیزمت را روی طناب بگذار و ببر.

## ۵-۱-۲. ترانه‌های عاشقانه و تغزلی

در ترانه‌های عاشقانه و تغزلی، مضمون‌ها حاوی وصف معشوق زمینی است و عاشقان معشوقه‌های خود را می‌ستایند. گاهی از آن‌ها درخواست‌هایی می‌کنند که همراه با اصرار و التماس است. در این نوع ترانه‌ها، هدف از وصف، ارج نهادن به معشوق و رسیدن به یار است. «بَلال» یا «دی بلال» و «دانی دانی» از نمونه ترانه‌های عاشقانه و تغزلی هستند.

### ۱-۵-۱-۲. بلال

«بلال، نامی است در بختیاری که نماد گل لاله است، نیز نام ترانه‌ای معروف در فرهنگ موسیقایی بختیاری می‌باشد. (مددی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). بلال، عاشقانه‌ترین ترانه در ادب عامه بختیاری است؛ زیرا در این گونه ادبی، عاشق، عشق محض زمینی خود را به معشوق به طور واضح و صریح بیان می‌کند و از ابهام‌گویی و بیان کنایه‌آمیز پرهیز می‌کند. در ابیات این ترانه، معشوق- که در بیشتر مواقع زنان هستند- در زمینه‌هایی همچون اخلاق، رفتار و ظاهری جذاب وصف می‌شود. نمونه‌ای از ترانه بلال:

آرزوم زهد به باد گل خُو کُنه شی      هو ز مو عاشق‌تره نیاره وا ری

ârezum rahde be bâd gol xo kone ŝei , ho ze mo âŝeqtare niyâreh vâ rei

برگردان: آرزویم بر باد رفته است؛ چراکه معشوقه می‌خواهد ازدواج کند، او از من عاشق‌تر است، اما به روی خود نمی‌آورد و دوست داشتن خود را از من پنهان می‌کند.

نمونه‌ای دیگر:

آر ایخُم ترکت کنم دلم نیاهه      مُو ترسم یه چی خُتی گیرم نیاهه

ar ixom tarket konom delom niyâhe, mo tarsom ya çi xoti girom neyâhe

برگردان: اگر بخوام تو را ترک کنم، دلم نمی‌آید، من می‌ترسم که دیگر کسی مثل تو برایم پیدا نشود.

### ۲-۵-۱-۲. ترانه دانی دانی

«دانی دانی» هم از جمله ترانه‌های عاشقانه است که در وصف معشوق خوانده می‌شود و دارای نغمه و آهنگی زیباست، معنای «دانی دانی» یکی یکدانه است» (پوره، ۱۳۸۱: ۱۷۴). این نام، خود نشان‌دهنده عشق زیاد به معشوق است، عشقی که عاشق آن را فقط منحصر به یک نفر می‌داند. این ترانه به صورت تک‌خوان و گروه‌گر (همخوانی) خوانده می‌شود؛ به گونه‌ای که یک نفر که صدای خوبی دارد، به صورت تک‌خوان بیت‌های غیرمکرر می‌خواند و دیگران نیز به صورت گروهی، مصرعی تکراری را در جواب او می‌خوانند.

نمونه‌ای از ترانه دانی دانی:

«شوو مه تُرک وُرک ویدم کل مال دانی      سوغاتی خُم سیت اوردُم گوی سرِ دسمال دانی»

šaowe mah torok vorok veydom kele mâl dâni, sowqâti xom sit averdom goy sare  
dasmâl dâni

مصرع تکراری:

«آخی دانی دانی دَرِدت، قُربون پَکَل زردت»

axey dâni dâni dârdet qorbune palale zardet

(پوره، ۱۳۸۱: ۱۷۵-۱۷۴)

برگردان: در شب مهتابی، پاورچین پاورچین به کنار خانه شما آمدم، دیدم تو خواب هستی. برایت هدیه‌ای آوردم تا بروی دستمالت بدوزی. ای یکی یکدانه من، قربان گیسوان زرد تو شوم.

نمونه‌ای دیگر:

آخی، دانی دانی مَرْدَمِ بَکْنِینِ عِلاجِ دَرْدَمِ      آخی، دانی دانی مَرْدَمِ بَکْنِینِ عِلاجِ دَرْدَمِ

âxey dâni dâni mardom bekonin elâje dardom, âxey dâni dâni mardom bekonin elâje dardom

برگردان: آخ، ای یکی یکدانه، ای مَرْدَمِ، درد مرا درمان کنيد.

### ۶-۱-۲. ترانه‌های مذهبی و نیایشی

در این نوع از ترانه‌ها، مردم از صمیم قلب، چیزی را از خدا طلب می‌کنند و یا برای همدیگر دعا و نیایش می‌کنند. در این گونه ادبی، خداپرستی و اعتقاد به ائمه اطهار موج می‌زند. بیشتر این ترانه‌ها به صورت دسته‌جمعی و گروهی خوانده می‌شوند. کمتر مشاهده می‌شود که یک نفر به تنهایی در قالب ترانه، دعا یا نیایش کند. از نمونه‌های این گونه ترانه، می‌توان از «هلله کوسه» -ترانه‌ای برای بارش باران- و «آهی گل» در قالب دعا نام برد.

#### ۶-۱-۲. ترانه هلله کوسه

این ترانه زمانی سروده می‌شود که مردم به سبب خشک‌سالی در فصول کم‌بارش، نیاز به باران داشته باشند و برای پرورش دام‌ها و کشاورزی خود با کمبود آب روبرو باشند. روش اجرای این ترانه به این صورت است: گروهی از جوانان دور هم جمع می‌شوند و یک نفر را به عنوان سرگروه انتخاب می‌کنند؛ به او شکل و هیبت خاصی می‌دهند، زنگوله‌ای به دستش می‌دهند و کوله‌پشتی‌ای برای جمع‌آوری هدایا به او می‌دهند. او به عنوان سرگروه، یا «کوسه» انتخاب می‌شود. گروه در هنگام شب- که معمولاً مصادف با آذرماه است- با سرودن ترانه به در خانه‌ها می‌روند و مردم هم به آن‌ها هدیه‌ای می‌دهند، زیرا باور دارند که با این ترانه‌سرایی و نیایش کردن، باران می‌بارد. کوسه یا سرگروه ابیاتی غیرمکرر می‌خواند و همراهان او بیت یا مصرعی تکراری را به عنوان جواب او می‌خوانند. نمونه‌ای از ترانه‌های هلله کوسه:

«هار هار هارونکی      خدا بزَن بارونکی

hâr hâr hârunaki , xodâ bezan bârunaki

بارون بزَن تُن تُنکی      هار هار هارونکی»

bârun bezan tontonaki, hâr hâr hârunaki

برگردان: هار هار هارونکی (نوعی صوت یا نام‌آواست)، خداوندا باران کمی بیار. خدایا بارانی آهسته و آرام بیار، هار هار هارونکی.

نمونه‌ای دیگر:

اُورِ سیاه لُپ لُپی      بارون بزَن تُن تُنکی

awre siyâhe lop lopi, bârun bezan ton tonaki

برگردان: ابر سیاه تکه‌تکه و فشرده، بارانی آرام و نرم‌نرم بیار.

## ۲-۱-۶-۲. ترانه نیایشی در قالب دووالالی

در این ترانه، از خداوند برای دیگران آرزوی خوشبختی، سعادت، صاحب فرزند پسر شدن، گشایش بخت دختران و مانند آن، درخواست می‌شود.

نمونه‌ای از ترانه نیایشی در قالب دووالالی:

خدا خدا خدا      یه مرادی به دلم

xodâ xodâ xodâ xodâ , ya moradi be delom

یه گری بده به ...      یو مُراد حاصلم

ya kori bedeh be ... , yo morâde hâselom

برگردان: خدایا، خدایا، خدایا، مراد و آرزویی در دلم هست. یک پسری به ... بده و این آرزوی نهایی من است. (در جای خالی، نام هر فرد بدون پسر را می‌توان به کار برد).

## ۲-۱-۷. سوگینه‌های بختیاری

سوگینه‌های بختیاری، گونه‌ای از اشعار بختیاری هستند و به جهت این که بیشتر آن‌ها ساخته و پرداخته و سروده زنان هستند، به آن‌ها می‌پردازیم. سوگینه‌ها «اشعاری هستند که در سوگ عزیزان از دست‌رفته سروده شده و یا اشعاری که برای مراسم عزاداری آشنایان و دوستان گفته شده است (قیاسی، ۱۳۹۵: ۴۲). درباره مضمون این دسته از ترانه‌ها، باید دانست که «در این دسته از ترانه‌ها، مضامین حول زندگی و خصوصیات اخلاقی و خدمات و سلوک اجتماعی و تأثیر فرد در خاک خفته، در وضع دیگران و حسرت از مرگ او دور می‌زند» (احمدپناهی، ۱۳۸۳: ۲۵۴-۲۵۳). احساس و عاطفه عمیق زنان در سرودن این سوگینه‌ها، بر تأثیر و ماندگاری آن‌ها می‌افزاید.

نمونه‌ای از سوگینه‌های بختیاری:

یه زن شازه زنی تُرنه‌هواری      جهرسته محوا گِره‌د به سایه داری

ya zane šâze zani torne hevâri, jahreste mahvâ gerehd be sâye dâri

برگردان: زنی مثل زنان شاهزاده، که گیسوان بلند و لختی دارد، از مسیر اصلی کوچ خود خارج شده و در زیر درختی پناه گرفته تا کمی استراحت کند (این خارج شدن از مسیر کوچ، در واقع کنایه از خروج از مسیر زندگی و نشان سفر ابدی و مرگ است).

### ۳. تحلیل نقش و جایگاه زنان در ترانه‌های بختیاری در یک نگاه کلی

در یک جمع‌بندی کلی و با توجه به بررسی گونه‌های ترانه در زبان بختیاری، نقش و جایگاه زنان در ترانه‌ها را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که در ترانه‌های کار و انواع آن مانند ترانه‌های بافندگی و دامداری، زنان در بیشتر موارد، سراینده و گوینده ترانه هستند و نقش و جایگاه آنان در این ترانه‌ها به عنوان یک هنرمند یا یک عضو فعال اقتصادی و همیار و همراه مردان، نمایان است. در بخشی دیگر از این ترانه‌ها، مانند ترانه‌های کشاورزی و صیادی که سروده مردان است، زنان نقش یک همیار را دارند و نگهدارنده این ترانه‌ها هستند. حتی در ترانه‌های رزمی و حماسی که سروده مردان است نیز این نقش زنان مشهود است. نقش و جایگاه زنان در آن‌ها این است که انگیزه‌دهنده به جنگجویان و رزمندگان هستند و در سوگینه‌ها، با تکرار ترانه‌ها همراه با شیون و زاری خود، یاد و خاطره بزرگان را برای نسل‌های بعد، زنده نگه می‌دارند.

در ترانه‌های بزمی و شادمانه‌ها که ساخته و سروده زنان است، نقش و جایگاه آنان، نقشی وصفی و توصیف‌کننده ویژگی‌ها و خصلت‌های نیک عروس و داماد است و دعا برای آنان در قالب عبارات و اشعاری دل‌انگیز و شاد را در پی دارد. در ترانه‌های کودکانه و لالایی‌ها نیز زنان، به‌ویژه مادران، سازنده و سراینده این نوع ترانه هستند. مادران در این گونه ادبی، معرف فرهنگ دینی و بومی به فرزندانشان خود، در قالب ترانه‌های «لالایی» هستند.

در ترانه‌های عاشقانه و تغزلی که معمولاً سروده مردان است، زنان، معشوق زمینی مردان محسوب می‌شوند و مردان به توصیف اخلاق نیک و زیبایی آنان می‌پردازند. جلوه‌گاه اصلی عشق مردان به زنان در این ترانه‌ها، بارز و نمایان است. جایگاه زنان در این ترانه‌ها، جایگاهی پاک و مقدس است و به نیک‌سرشتی و زیبایی توصیف می‌شوند و در بیشتر ترانه‌های نیایشی و مذهبی که سروده زنان است، دارای جایگاهی والا هستند و نقشی شکرگزار، نوع‌دوست و خیرخواه دارند؛ زیرا آنان به جای دیگران و برای دیگران در پیشگاه خداوند دعا و نیایش می‌کنند و برآورده شدن آرزوها و خواسته‌های دیگران را از خداوند طلب می‌کنند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی ترانه‌های بختیاری و نقش و جایگاه زنان در این ترانه‌ها پرداخته شد. با تقسیم‌بندی و بررسی و تحلیل انواع ترانه، مشخص شد که زنان در بیشتر ترانه‌های بختیاری، سازنده و سراینده این نوع ادبی هستند و در گونه‌هایی از ترانه هم که سروده مردان است، زنان نقش بارز و کلیدی دارند. به گونه‌ای که یا حافظ و نگهدارنده و ترویج دهنده این ترانه‌ها هستند، یا اینکه ترانه‌ها (مانند ترانه‌های عاشقانه) در وصف خود آن‌ها سروده شده که در این صورت، در لابه‌لای واژگان ترانه‌ها نیز دارای جایگاه و نقش مشخص و قابل توجه هستند. در مجموع، زنان در ترانه‌های بختیاری، نقش و جایگاهی پررنگ دارند و نگهدارنده و انتقال دهنده فرهنگ بومی، ملی و مذهبی بختیاری هستند و نقش آنان در امور اجتماعی، تعلیمی و آموزشی، نقشی سازنده، مثبت و تأثیرگذار است و در ترانه‌های عاشقانه و لالایی‌ها و همچنین سوگینه‌ها، زنان نقش آشکارتری نسبت به دیگر انواع ترانه دارند و یکی از علت‌های باقی ماندن نوع ادبی ترانه در فرهنگ بختیاری، نقل سینه به سینه و کاربرد و تکرار آن به وسیله زنان در کارهای روزمره و مراسم و آیین زندگی است که مانع از فراموش شدن و از بین رفتن ترانه‌ها شده است.

#### منابع

##### کتاب‌ها

- احمدپناهی، محمد. (۱۳۸۳). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۷). مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، تهران: نشر مؤلف.
- پوره، کاظم. (۱۳۸۱). موسیقی و ترانه‌های بختیاری. تهران: نشر آنازن.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی، چاپ دوم، شیراز: انتشارات نوید.
- سرلک، رضا. (۱۳۸۱). واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ، تهران: نشر آثار.
- سرلک، رضا. (۱۳۸۵). آداب و رسوم و فرهنگ عامه‌ی ایل بختیاری چهارلنگ، تهران: انتشارات طهوری.



- فروتن، فریبرز. (۱۳۸۳)، گنجینه مثل‌های بختیاری، اهواز: انتشارات صمد.
- فقیری، ابوالقاسم. (۱۳۸۵)، سیری در ترانه‌های محلی با تکیه بر گوشه‌هایی از ترانه‌های فارسی، شیراز: نشر نوید شیراز.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۸۵)، گفت و گفت، شهرکرد: نشر مرید.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۰)، جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری، شهرکرد: نشر نیوشه.
- قیاسی، وهاب. (۱۳۹۵)، پژوهشی اجمالی در ادبیات عامه ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۸۷)، ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)، به کوشش حسن ذوالفقاری، چاپ چهارم، تهران: نشر چشمه.
- مددی، حسین. (۱۳۸۶)، نماد در فرهنگ بختیاری، اهواز: انتشارات مه‌زیار.
- میرزایی دره شویی، غلامرضا. (۱۳۷۳)، بختیاری‌ها و قاجاریه، شهرکرد: انتشارات ایل.
- هدایت، صادق. (۱۳۸۳)، فرهنگ عامیانه مردم ایران، گردآورنده جهانگیر هدایت، چاپ پنجم، تهران: نشر چشمه.

#### مجلات

- حسین‌پور، علی. (۱۳۸۶)، انعکاس کار و تلاش زنان بختیاری در ترانه‌های عامیانه و کودکانه، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، سال دهم، شماره ۱ و ۲، شماره پیاپی ۵۳ و ۵۴.

#### منابع صوتی

- علاءالدین، بهمن (مسعود بختیاری)، ۱۳۷۲، ترانه هیاری (کاست تاراز)، به کوشش منصور قنادپور، تهیه و ضبط: شرکت آواز جنوب.